



دو فصلنامه علمی اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، مقاله پژوهشی
سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص. ۴۵-۸۴

طراحی مدل ساختاری - تفسیری مؤلفه‌های مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه مورد مطالعه: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱
مقاله برای اصلاح به مدت ۳۴ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

10.30497/SMT.2022.241980.3314

حسین بختیاری *
جعفر جعفری توبه **
محمدباقر ملاصادقی ***
حسین عباسی ****

چکیده

ارتقاء واقعی و عمیق علمی کشور، آرمان بزرگی است که جز با برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ محقق نخواهد شد. نیل به این آرمان و تحقق مرجعیت علمی دانشگاه‌ها نیازمند ترسیم صحیح مسیر و شناسایی مؤلفه‌های اساسی مرجعیت علمی دانشگاه‌ها است. هدف از پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه امام صادق (ع) به‌عنوان یکی از نهادهای علمی دارای فلسفه وجودی تولید علم دینی است، که با ساختاردهی به مؤلفه‌های شناسایی شده درصدد طراحی مدل مفهومی مرجعیت علمی برای دانشگاه‌ها است.

در این مقاله با مرور ادبیات و مبانی نظری مرجعیت علمی و همچنین با بررسی اسناد بالادستی دانشگاه امام صادق (ع) از قبیل راهبردهای ۱۲ گانه مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز و بیانیه مأموریت دانشگاه، سند اهداف کلان دانشگاه، سند نظام جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی دانشگاه امام صادق (ع)، مؤلفه‌های مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه امام صادق (ع) احصا گردید. در ادامه به‌منظور ساختاردهی به این مؤلفه‌ها و تفسیر و تبیین روابط بین آنها با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری و با دریافت نظرات ۱۲ نفر خبره، داده‌های موردنظر شامل اظهارنظر ایشان در خصوص مؤلفه‌ها و روابط بین آنها جمع‌آوری گردید. در ادامه مبتنی بر روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری روابط علی - معلولی بین مؤلفه‌ها شناسایی و مدل سلسله‌مراتبی مربوطه استخراج گردید و همچنین با اجرای تحلیل MICMAC مؤلفه‌ها در دسته‌های چهارگانه از حیث تأثیرگذاری و تأثیرپذیری تقسیم‌بندی شدند. خروجی حاصل از مدل و نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از استقلال و زیربنایی بودن مؤلفه مأموریت‌گرایی دانشگاه است که در دانشگاه امام صادق (ع) این مؤلفه از وجوه متمایز اصلی دانشگاه است. سایر مؤلفه‌ها و روابط بین آنها نیز در بخش‌ها و لایه‌های سطح‌بندی شده‌ی مدل ارائه شده قرار گرفته‌اند که می‌تواند در مسیر مرجعیت علمی دانشگاه موردتوجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

مرجعیت علمی؛ دانشگاه امام صادق (ع)؛ مدل‌سازی ساختاری - تفسیری.

20.1001.1.23830891.1400.15.2.1.8

* استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

h.bakhtiari@isu.ac.ir

0000-0003-0639-5173

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

j.jafari.toye@isu.ac.ir

0000-0002-7207-5621

*** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

molasadeghi1377@isu.ac.ir

0000-0001-7746-8769

**** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

h.abbasi@isu.ac.ir

0000-0002-5258-2853

مقدمه و بیان مسأله

اگر ما به اهمیت، نقش و جایگاه علم در توسعه و پیشرفت بشریت توجه داشته باشیم، متوجه می‌شویم که ارزش و جایگاه علم در جهان امروز به حدی است که ابزار قدرت و بهره‌وری جوامع شده و بی‌شک ملتی در جهان موفق، سرزنده و پیروز است که در اصل و اساس کارهای خود و در همه مسائل خود عالمانه‌تر عمل کند. در واقع می‌توان ادعا کرد، که میزان بهره‌مندی از علم و دانش در یک جامعه، ارزش و جایگاه آن جامعه را مشخص می‌کند (سیدجوادین، حسنقلی‌پور، رهنورد و تاب، ۱۳۹۱، ص. ۲). مزیت رقابتی سازمان‌ها و جوامع، دانش بوده و برتری کشوری بر کشور دیگر با قدرت دانش رقم می‌خورد (Baumard, 2007, p. 61). مرجعیت علمی به‌نوعی به پیشگامی، برتری و اول بودن در عرصه‌ی علم برمی‌گردد. این مهم جز با داشتن راهبرد میسر نیست؛ مرجع علمی با تمرکز بر حوزه علمی و حیطة اقدام، سعی در استفاده از فرصت‌ها دارد تا بتواند با استفاده از قابلیت‌های خود، مزیت نسبی خود را تبدیل به مزیت رقابتی کند (گودرزی و رودی، ۱۳۹۰، ص. ۸۰).

با توجه به سخنان مقام معظم رهبری می‌توان گفت که تمام ابرقدرت‌های جهان منشأ قدرت اقتصادی و سیاسی‌شان از قدرت علمی است. یک ملت، با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه‌ی افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست برتر را در دنیای سیاسی حائز شود. در این راستا دانشگاه امام صادق(ع) می‌خواهد از همه جهت، یک الگوی دانشگاه اسلامی باشد؛ از جهت انگیزه‌های ایمانی، رعایت‌های عملی و رفتاری و عشق به علم و علم‌آموزی عاشقانه و مؤمنانه. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹) هم‌راستایی بخش‌های مختلف دانشگاه و داشتن یک تصویر جامع و راهبردی از مسأله مرجعیت علمی که همه‌ی مؤلفه‌های مرجعیت و روابط بین آنها تبیین شده باشد باعث می‌شود تا حرکتی هماهنگ‌تر و صحیح‌تر به سمت مرجعیت علمی اتفاق افتد. اگر این هم‌راستایی و هماهنگی شکل نگیرد، باعث بروز موازی کاری‌ها و بعضاً اقدامات متضاد و جدا از هم خواهد شد. در این مقاله به دنبال رفع این خلأ و رسیدن به یک مدل جامع از مرجعیت علمی دانشگاه امام صادق(ع) هستیم. در این راستا مؤلفه‌هایی برای رسیدن

به این جایگاه با توجه به بیانات مقام معظم رهبری و راهبردهای ابلاغی ایشان و سایر اسناد بالادستی دانشگاه احصا گردیده و با روش‌شناسی ساختاری - تفسیری مبتنی بر نظرات خبرگان مدل جامع طراحی گردید.

۱. مبانی نظری و مرور ادبیات

۱-۱. مبانی نظری مرجعیت علمی

۱-۱-۱. مرجعیت علمی

مرجعیت علمی از جمله مفاهیم سهل و ممتنع است به این معنا که در ابتدا مفهوم ساده‌ای به نظر رسیده که از دو کلمه واضح تشکیل شده است. ولی با ورود به ادبیات موضوع با طیف بلندی از تعاریف مواجهه می‌شویم.

قوی‌ترین وسیله برای رهایی انسان از اسارت نیاز و رهایی از جهل، همت عالی علم‌آموزی و در درجه بالاتر تولید علم است (خیاط سرکار (۱۳۹۴) به نقل از عبدی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۷۱). مرجعیت در تعاریف موجود در فرهنگ واژگان به معنی محل مراجعه دیگران، مرجع بودن و مورد رجوع بودن است. به این معنی که دیگران با مراجعه به او دنبال حل مسائل، مشکلات و موانع روی کار اهداف خود باشند. مرجعیت علمی اشاره به منشأ اثر بودن در یک جامعه در ابعاد مختلف علمی و عملی بازگشت دارد. مرجعیت علمی را می‌شود به معنای استقلال علمی از سایر تمدن‌ها و تبدیل یک کشور به‌عنوان یکی از قطب‌های تولید علم جهان و تبدیل شدن زبان فارسی به یکی از زبان‌های علمی دنیا در سال‌های بعد دانست. (لطیفی، طهماسبی، جوادی و میرزایی، ۱۳۹۷، ص. ۸)

مرجعیت علمی واژه‌ای نو و بدیع است که به برتری و رهبری در تلاش برای جنبش نرم‌افزاری و تولید علم بازگشت دارد. مرجعیت علمی یک دانشگاه به معنای برتری آن دانشگاه نسبت به دانشگاه‌های دیگر در برخی معیارها است. (گودرزی و رودی، ۱۳۹۰، ص. ۷۶) در یک تعریف دیگر مرجعیت علمی به معنای محور علمی شدن و کسب جایگاه والا در حوزه علم و دانش است. (لطیفی، طهماسبی، جوادی و میرزایی، ۱۳۹۷، ص. ۹)

مرجعیت علمی این‌گونه تعریف می‌شود: «یک تلاش فردی، گروهی و بلندمدت که مطابق با نیازهای فرد و جامعه برای تولید علم صورت می‌پذیرد. فرد مرجع علاوه بر

پیش‌تاز بودن در عرصه علمی، دارای ویژگی‌های ممتاز معنوی و اخلاقی است که نتیجه تولید علمی مرجع موجب حل برخی مشکلات و مسائل جامعه می‌شود. همچنین فرد مرجع از جهت ویژگی‌های شخصیتی، مدیریت و شایستگی‌های محوری کمال‌گرا و شکوفا است.» (سیدجوادین، حسنتلی پور، رهنورد و تاب، ۱۳۹۱، ص. ۱۲)

سند چشم‌انداز دانشگاه امام صادق علیه‌السلام (۱۳۹۳)، دانشگاه مرجع را به شرح زیر تعریف نموده است:

«دانشگاه مرجع، دانشگاهی است ممتاز در حوزه‌های تخصصی به‌نحوی که مجموعه برون داده‌های آن دارای بالاترین اثرگذاری و بیشترین مراجعه‌کننده باشد.»

مرجعیت علمی در پی یک حرکت و جهش علمی است به‌طوری‌که احساس تحقق یک کمال را در خود داشته باشیم. لازمه این کار، وصل به منبع اصلی علم یعنی خداوند، همت، اعتماد به نفس (نفس متصل به خداوند)، انگیزه درونی، خستگی‌ناپذیری، به‌کارگیری دانسته‌ها، تلاش جمعی، جدیت و لطافت است (رودی، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۶).

دانش و دانش‌آفرینی محور اصلی توسعه و پیشرفت در دنیا شده است (Bell, 2005, p. 33). مرجعیت علمی، مهم‌ترین رکن و محور توسعه است. به‌منظور ایجاد چنین مرجعیتی؛ یعنی حاکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه، سرمایه انسانی و توسعه آن چه از طریق نظام‌های آموزشی و پژوهشی و چه از طریق آموزش‌های ضمن خدمت و تکمیلی ضرورت پیدا می‌کند (تابان و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۶). مرجعیت علمی به‌نوعی بر پیش‌تازی در عرصه علم و برتری علمی اشاره دارد که باعث می‌شود جویندگان علم به جایگاهی که رتبه مرجعیت علمی را داراست، مراجعه کنند (تولایی، ۱۳۸۷، ص. ۴۴).

مرجعیت علمی دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد. بستر فراهم‌شده فعلی در سطح دانشگاه‌ها بخش سخت‌افزاری آن را تشکیل می‌دهد و مباحث امکان‌سنجی، نگاه جامع به همه ذینفعان، ملاحظات زمانی، مدیریتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بخش نرم‌افزاری و مهم آن به شمار می‌رود. باید به مقوله مرجعیت علمی به‌صورت موضوعی چندعلیتی^۱ نگرست. یکی از نقاط ضعف بسته‌های تحول و نوآوری، به‌ویژه بسته مرجعیت علمی، فقدان همین نگاه چندبعدی و چندعلیتی است. اگر مرجعیت را

به اشکالی که بیان شد تعریف کنیم باید گفت دو راهکار اساسی برای حرکت در مسیر مرجعیت وجود دارد: ۱- شناسایی و معرفی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود و تقویت آن و استفاده صحیح از آن ۲- ایجاد ظرفیت‌ها و توانمندی‌های باقابلیت مرجعیت در خود. سه‌گام اصلی پیاده کردن بستر مرجعیت علمی عبارت است از: ۱. آینده‌نگاری و مفهوم‌سازی به همراه مطالعات مقدماتی اولیه ۲. امکان‌سنجی و ترجمان دیدگاه‌ها و رهیافت‌ها در شرایط موجود ۳. حرکت در مسیر مرجعیت علمی که فرآیندی زمان‌بر است و نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی در بسته‌های تحول و نوآوری دارد. (باقری و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۵۱-۵۲)

برای دستیابی به مقام رفیع مرجعیت علمی ناگزیر باید از مسیر تولید علم گذشت. تولید علم نیز خود دارای مسیری فرآیندی است (چگین، ۱۳۷۸، ص. ۲۲۶) مرجعیت علمی شکلی از قدرت نرم مشروع است که به واسطه فرادستی و سیادت در حوزه‌های علم و فناوری حاصل می‌گردد. پیشگامی در توسعه مرزهای دانش و دارا بودن بیشترین سهم از فعالیت‌ها، فرآیندها و محصولات دانشی در یک رشته علمی از مصادیق بارز مرجعیت علمی محسوب می‌گردد. (حاجی احمدی، حسینی، شهریاری و یزدانی، ۱۳۹۸، ص. ۲۹)

دورنمای نظام آموزشی در مرجعیت علمی ایران آموزش و تربیت انسان‌های متعهد برای خدمت به کشور و نیز تولید علم و گسترش دانش برای نوع بشر است. توجه به این نکته بااهمیت است که نظام آموزشی کشورمان در جهان نقش حیاتی داشته باشد؛ بنابراین عملکرد آن باید همواره در معرض توجه قرار گیرد. (پوررضا، ۱۳۹۰، ص. ۲)

مرجعیت صرفاً به معنای محل رجوع نیست، به‌عنوان مثال نظریه‌پردازی و پرداختن به حوزه‌ی ولایت‌فقیه در یک دانشگاه شاید محل ارجاع دانشگاه‌های مطرح دیگر نباشد ولی این نظریه می‌تواند اثرگذاری در گستره وسیعی ایجاد کند؛ بنابراین در تعیین مرجعیت علمی مؤلفه‌های دیگری همچون اثرگذاری نیز وجود دارد. (بیغامی، ۱۳۹۹)

با بررسی در تعاریف و دیدگاه‌های مختلف در تعریف مرجعیت علمی، مرجعیت را می‌توان نوعی تلاش فردی و گروهی برای رسیدن به تولید علم دانست که می‌تواند منشأ اثرات بسیار زیادی باشد و رسیدن به آن را فتح قله‌ای دانست که منجر به محور شدن در

حیطه‌های مربوط به علم و دانش می‌شود. بخشی از امکانات موردنیاز برای رسیدن دانشگاه‌ها به این جایگاه در حال حاضر فراهم است و باید برای فراهم آوردن بخش‌های موردنیاز دیگر، تلاش و جدیت در دستور کار قرار گیرد.

۱-۲. مفهوم مرجعیت علمی

یکی از مسائل مهم در حوزه علم در هر کشوری داشتن برنامه‌ای برای کسب مرجعیت علمی است. مقام معظم رهبری در سال ۸۵ در بیانات خود در دیدار با دانشجویان و روسای دانشگاه‌ها، فرمودند: «هدف را این قرار بدهیم که پنجاه سال بعد، کشور شما یکی از مراجع عمده و درجه‌ی اول علمی دنیا باشد»

عبارت «مرجعیت علمی» در ذهن هر شخصی، مفهوم معنایی (مفاهیم و روابط آنها) خاصی را فعال می‌کند. این تصور ذهنی در برخی از منابع تاریخی و از عالم حروف و گاهی هم از دنیای واقعی و گاهی از حرکت ذهنی و تصویرسازی جلوه می‌کند. این ساختار معنایی از هر جا بروز کرده باشد، بی‌شک نحوه تعامل با این پدیده را شکل خواهد داد. این موضوع چالش اساسی در جهت پیمودن مسیر و نیل به مرجعیت علمی خواهد بود؛ پس می‌توان گفت رسیدن به معنا و مفهوم واحد از عبارت مرجعیت علمی نخستین گام در راه رسیدن به این جایگاه است. (لطیفی، طهماسبی، جوادی و میرزایی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲)

سه دوره تاریخی برای مرجعیت علمی معرفی شده است: دوره علم کهن یا فلاسفه یونان، دوران تمدن اسلامی و دوره علوم جدید غربی. (قبادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۸) برخی مرجعیت علمی را واژه‌ای می‌دانند که مصادیق آن در دوران مختلف تاریخ اتفاق افتاده است: دوره فلاسفه یونان، دوره تمدن اسلامی یا همان قرون اول تا پنجم هجری شمسی و دوره علوم جدید غربی در قرون پانزده تا بیست و یکم میلادی. فرازوفروود مرجعیت علمی در ایران را نیز می‌توان مبتنی بر این مصداق یابی بررسی کرد؛ قله تاریخ مرجعیت علمی ایران، دوران ظهور تمدن اسلامی است که بعدها به تناسب اوضاع ایران فرازوفروودهایی داشته است. برخی مرجعیت علمی را برتری رتبه علمی دانشگاه‌های ایران بر اساس شاخص‌هایی از جمله تعداد دانش‌آموختگان، جوایز نوبل، اعضای هیأت علمی، ارجاعات و مجلات و... نسبت به سایر دانشگاه‌های جهان تفسیر کرده‌اند؛ اما مرجعیت

علمی، نه به معنای برتری نسبت به سایر دانشگاه‌ها، نه به معنای موفقیت در استفاده از دانش‌آموختگان در مراکز اجرایی و نه حتی به معنای کاهش فاصله علمی میان ایران و جهان است، بلکه مرجعیت علمی به‌گونه‌ای است که دنیا از نظرات ما استفاده کند و در جستجوی مطالبی علمی، آن را در اینجا بیابد. (رودی، ۱۳۸۷، ص. ۸۱)

هر شخص، گروه، نظام یا کشوری که دارای قدرت مشروع و قابل‌پذیرش باشد به مقام مرجعیت علمی نائل می‌شود و از طرف دیگر هم اگر شخص، گروه، نظام یا کشور مرجعیت علمی داشته باشد، در اعمال اقتدار علمی مؤثرتر عمل خواهد کرد. (لطیفی، طهماسبی، جوادی و میرزایی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰) شرط احراز مرجعیت علمی نگاه علمی به مسائل خودمان و تلاش در حل آنهاست. یکی از گرفتاری‌های کشورهای دارای سابقه دیرینه علمی و تمدن غنی این است که کمتر از وجوه ضعف، قوت، ناتوانی، توانایی، جهل و علم خود خبردارند؛ این ارزیابی‌های درونی می‌تواند روشنگر راه آینده باشد. (قوام‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۰)

۲-۱. پیشینه پژوهش

در این بخش از مقاله، کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایر پژوهش‌های مرتبط با مرجعیت علمی مرور گشته تا ضمن تبیین صحیح مفهوم مرجعیت علمی، مؤلفه‌های مرجعیت علمی موجود در ادبیات تحقیق احصا گردد.

تابان، یاسینی، شیری و محمدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی و تبیین الگوی مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران بر اساس زندگی‌نامه اندیشمندان کشور» که با هدف طراحی و تبیین مدل فرایندی مرجعیت در آموزش عالی ایران بوده است با روش آمیخته اکتشافی به موضوع مرجعیت علمی پرداخته‌اند و یافته‌های پژوهش شامل مراحل پیدایش با پنج بعد، رشد و پرورش با شش بعد، تعامل با چهار بعد و تکامل با پنج بعد می‌باشد. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که نظر به نقش مرجعیت علمی در افزایش توان رقابتی کشور و همچنین جایگاه آن در اسناد بالادستی، ضرورت دارد با انجام برنامه‌های عملیاتی مناسب برای توجیه و آگاه‌سازی مدیران علمی کشور و به‌تبع آن همه دانش‌پژوهان اقدامات کافی به عمل آید.

رودی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه با عنوان «طراحی مدل دانشکده مرجع علمی (مطالعه موردی: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت)» مرجعیت علمی را به‌نوعی پیشگامی، برتری و اول بودن در عرصه علم قلمداد می‌کند. این مهم جز با داشتن راهبرد میسر نیست و البته وجود راهبرد متضمن شکست یا پیروزی در زمان حضور در عرصه علم است اما نبود راهبرد، شکست قطعی است و آن دارای مفاهیمی از جمله تمرکز، انتخاب حوزه علمی، تعیین حیطه اقدام، استفاده از فرصت‌ها، تعیین قابلیت‌ها، مزیت نسبی و مزیت رقابتی هست. او هم‌چنین مرجعیت علمی را به سطوح مرجعیت بنیادی، مرجعیت سیاست‌گذاری و مرجعیت کاربردی تقسیم می‌کند. به تناسب هر سطح، محوری را باید برگزید که همه برنامه‌ها و فعالیت‌ها حول آن محور انجام پذیرد؛ یک دانشگاه بایستی دانشکده محور، دانشکده‌ها گروه‌محور و گروه‌ها، به تناسب سطوح مرجعیت، استاد، مسأله یا دانشجو محور باشند. ویژگی‌هایی که در ذیل مرجعیت علمی قابل تعریف هستند شامل: جریان‌سازی علمی، اعلیت، خط‌شکنی و... می‌باشند.

گودرزی و رودی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «تبیین مرجعیت علمی برای نهادهای علمی کشور با رویکرد تئوری مفهوم‌سازی بنیادی» معتقدند که مسأله‌ی اساسی در حرکت به سمت آرمان تولید علم و احراز مقام ممتاز جهانی، وجود تصویری یکسان از مرجعیت علمی است. کسب شناخت از ابعاد و جنبه‌های گوناگون مرجعیت علمی به‌عنوان پیش‌نیاز حرکت به سوی آن است که برای این هدف، ایجاد درک مشترک از مفهوم مرجعیت علمی لازم است.

مرتضی سلطانی (۱۳۸۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «تدوین استراتژی‌های کلان پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)» تلاش کرده است تا به‌منظور تسریع در حرکت دانشگاه امام صادق(ع) به سوی چشم‌انداز خود، با استفاده از یک مدل مناسب برنامه‌ریزی استراتژیک، استراتژی‌های کلان حوزه‌ی پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) - که یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های فعالیت این دانشگاه هست - را طراحی و تدوین نماید. او در این پژوهش به‌وسیله‌ی منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با مسئولین مرتبط با موضوع، پرسشنامه و جلسه با صاحب‌نظران و درنهایت با استفاده از ابزار ماتریس SWOT (نقاط قوت و

ضعف، تهدیدها و فرصت‌ها)، استراتژی‌های کلان حوزه‌ی پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) را برای نیل به اهداف بلندمدت این حوزه تدوین کرده است.

مهدی قضاوی‌زاده (۱۳۸۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «الگوی پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) در جایگاه مرجعیت علمی مبتنی بر مکتب علمی امام صادق(ع)» درصدد است با الگوگیری از مکتب علمی امام جعفر صادق علیه‌السلام برای این دانشگاه، یک نظام پژوهشی پیشنهادی ارائه کند. در این پژوهش الگوی پژوهشی مکتب علمی به روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد تدوین و ارائه شده است. همچنین به‌منظور بهره‌گیری از تجارب موفق، وضعیت چندین دانشگاه برتر دنیا نیز مورد بررسی قرار گرفته و درنهایت سه الگوی مکتب علمی دانشگاه، وضعیت فعلی دانشگاه و دانشگاه‌های برتر دنیا در قالب رویکرد سیستمی با یکدیگر تلفیق و ارائه شده است. در الگوی تدوین‌شده از مکتب علمی، بر سه رکن آموزش (روایت)؛ پژوهش (درایت) و عمل کردن به آموخته‌ها (رعایت) تأکید بیشتری وجود دارد. مقوله محوری الگو که موتور محرکه نظام پژوهشی است اجتهاد و استنباط از طریق درایت، تفکر و تدبر است که منتهی به تولید علم می‌شود. بدین‌صورت که ائمه معصومین علیهم‌السلام که مخازن علم الهی هستند اصول و کلیات را بیان می‌فرمایند و از طریق تفکر و تدبر روشمند باید جزئیات و فروع را استنباط کرد. در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران درباره موضوع مرجعیت علمی اشاره شده است که: «ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل خواهد بود. جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز باید برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی باشد و با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل، بتواند جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی را به‌دست آورد» (سند چشم‌انداز، ۱۳۸۴)

گودرزی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «دانشگاه اسلامی در چشم‌انداز آینده (با تأکید بر حوزه‌ی نیروی انسانی)» بیان می‌دارد که پیشرفت بر اساس معیارهای داخلی و

در نتیجه هدایت‌های آنها صورت می‌پذیرد و همچنین تأکید می‌کند که امکان نوآوری و تلاش علمی مبتنی بر فرهنگ دینی و در راستای تحقق تمدن اسلامی با معیارهای خارجی سازگار نیست.

کوشازاده، اکبری، معقول، جباری و کوشازاده (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و اولویت‌گذاری عوامل مؤثر بر مرجعیت دانشگاه»، نهضت تولید علم تا دستیابی به جایگاه مرجعیت علمی کشور را دارای فرایندی می‌دانند که بخش اعظم آن در بستر آموزش‌های نظام‌مند در جریان خواهد بود و از آنجا که اساس توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر کشور را دانشگاه‌های آن تشکیل می‌دهد، آموزش عالی و به‌طور خاص دانشگاه‌ها، با اتخاذ رویکردی آینده‌محور، ضمن شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌های آتی، ابزاری اساسی برای تولید و توسعه علم و فناوری در فرآیند تحقق مرجعیت علمی محسوب می‌شوند. کشورهای توسعه‌یافته برای دستیابی به توسعه علمی و مرجعیت علمی اقدام به برنامه‌ریزی استراتژیک و سرمایه‌گذاری کلان کرده‌اند. کوشازاده و همکاران در این مقاله به این نتیجه رسیده‌اند که: «پنج عامل زمینه‌ای، مدیریتی - ساختاری، آموزشی، پژوهشی و سرمایه انسانی عوامل مؤثر مرجعیت علمی دانشگاه را تشکیل می‌دهند». برای جذب نخبگان علمی، دانشجویان، اساتید و پژوهشگران برتر از سراسر جهان، دانشگاه باید با تقویت حیطه‌های سرآمدی خود به الگوی کیفی برای مؤسسات آموزش عالی کشور تبدیل شود و با شناسایی توانمندی‌های ویژه حوزه‌های مختلف و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها جهت نقش‌آفرینی در سطح ملی و بین‌المللی به افزایش جذابیت دانشگاه بیفزاید. فراهم‌سازی فضای مناسب علمی در محیط دانشگاه، یعنی محیط آموزشی خلاق که با گسترش روحیه کاوش‌گری، رقابت‌سازنده و نقادی عالمانه همراه است باعث ایجاد فرصت‌های برابر جهت شکوفایی و پرورش استعدادها و پژوهشگران سرآمد علمی هم‌تراز با دانشمندان جهانی می‌شود و فرهنگ مهارت‌گرایی و دانش‌محوری را نهادینه می‌کند. در این راستا، برنامه‌ریزی علمی بر اساس واقعیت‌ها و نیازها به‌منظور جلوگیری از فرار مغزها و ایجاد اتاق فکر جهت هم‌اندیشی استادان و نخبگان دانشگاه در حل مسائل حائز اهمیت است. لازم است با تدوین و اجرای سند آینده‌نگاری و نقشه راه تحقق مرجعیت علمی دانشگاه، فاصله موجود بین وضع موجود و مطلوب (شکاف)

نسبی بین سیاست‌ها، برنامه‌ها، روش کار، بستر اجرا، عملیاتی‌سازی، نتایج و پیامدهای مورد انتظار) دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی را به حداقل رساند و در تولید علم و تربیت عالم، سرآمد شده و قدرت نرم ملی را ارتقا بخشید.

و اتقی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی موانع تحقق مرجعیت علمی در عرصه علوم انسانی (مورد مطالعه دانشگاه امام صادق (ع))» با بررسی‌ها و تحلیل‌های انجام‌شده ۴۱ مانع را در ۷ طبقه شناسایی کرده و بر اساس دو منظر «اثرگذاری» و «امکان‌پذیری» نسبت به اولویت‌بندی آنها اقدام کرده است. در اولویت‌بندی نهایی ۲۰ مانع مهم از این ۴۱ مانع را در نظر گرفته و مجدداً برای تعیین دقیق‌تر اولویت آنها اقدام به سطح‌بندی این ۲۰ مانع در ۷ سطح نموده است. از نظر ایشان با اطمینان بالایی می‌توان گفت که در صورت تلاش جدی و صحیح دانشگاه برای رفع این ۲۰ مانع بر اساس سطح‌بندی ارائه‌شده، مرجعیت علمی در عرصه علوم انسانی محقق خواهد شد. گاردنر^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «اندازه‌گیری میزان اثرگذاری سازمان‌ها بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از بررسی و جستجوی عمومی دانش در سراسر جهان» نتیجه می‌گیرند که توجه به دانش و دانش‌آفرینی، محور اصلی توسعه و پیشرفت در دنیا و مزیت رقابتی سازمان‌ها و جوامع و برتری کشوری بر کشور دیگر به حساب می‌آید.

لطیفی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «استخراج و اولویت‌بندی راهبردهای نیل به مرجعیت علمی» با تحلیل بیانات رهبری، راهبردهای چهارده‌گانه‌ای را برای نیل به مرجعیت تدوین کردند و جایگاه هر راهبرد را در ماتریس اهمیت - عملکرد تعیین کردند. این راهبردها عبارت‌اند از: ۱- مدیریت نظام‌مند عرصه علمی، ۲- وحدت حوزه و دانشگاه، ۳- تحول در حوزه علمیه، ۴- تأسیس دانشگاه اسلامی، ۵- اسلامی‌سازی علوم، ۶- گفتمان‌سازی علمی، ۷- نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، ۸- آزاداندیشی (نهضت آزادی فکر)، ۹- یادگیری از غرب ولی شاگرد نماندن، ۱۰- تحول در آموزش و پرورش، ۱۱- تحول در نظام تعلیم و تربیت، ۱۲- جذب و حمایت نخبگان (نخبه پروری)، ۱۳- تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی علم و فناوری، ۱۴- تبادل علمی و دیپلماسی.

نتایج پژوهش قمی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل دستیابی به مرجعیت علمی از دیدگاه استادان دانشگاه علوم پزشکی تبریز» به روش پیمایشی نشان داد که مهم‌ترین عوامل دستیابی به مرجعیت علمی از نظر خبرگان مورد مطالعه عبارت‌اند از: گسترش ارتباط دانشگاه با محافل علمی برتر دنیا، تقویت روحیه انتقادپذیری؛ دستیابی به علم و دانش پیشرفته؛ رونق دادن به نشریات علمی؛ توجه بیشتر به پروژه‌های پژوهشی و تبدیل آنها به علم؛ اختصاص اعتبارات کافی به طرح‌های پژوهشی؛ توسعه فرهنگ خودباوری؛ ایجاد نشاط علمی؛ گسترش پژوهش در عرصه کاربردی و توسعه‌ای؛ ارتقای توانمندی همه‌جانبه اعضای علمی.

تابان و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران با رویکرد داده بنیاد»، پدیده‌ی محوری یعنی مرجعیت علمی را با ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری به‌عنوان مقوله اصلی و مؤلفه‌های آن شامل اخلاق‌گرایی، شرایط روحی و روانی و جسمانی، مهارت، نگرش، انگیزش درونی و خلاقیت و نوآوری احصا کرده است. همچنین برخی عوامل انگیزاننده، عوامل زمینه‌ای و ساختاری را نیز مطرح کرده است.

حسینی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ارائه الگوی پیشنهادی آینده‌نگاری مرجعیت علمی»، این‌طور بیان می‌دارند که تعیین اولویت‌های دستیابی به سرآمدی و مرجعیت علمی مستلزم مشارکت تمامی نقش‌آفرینان و شکل‌گیری خواست و اراده جمعی در دانشگاه و تبدیل کردن آن به گفتمانی در داخل و خارج از دانشگاه است تا روایی و پایایی لازم برای دستیابی به آینده مطلوب حاصل شود.

سعدآبادی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «بازشناسی مؤلفه‌های ناظر بر مفهوم مرجعیت علمی»، در مجموع ۴۰ مؤلفه در قالب ۵ بعد ناظر بر مفهوم مرجعیت علمی را شناسایی کرده که این ۵ دسته اصلی عبارت‌اند از: مؤلفه‌های فرهنگی، مؤلفه‌های علمی، مؤلفه‌های بین‌المللی، مؤلفه‌های مدیریتی و مؤلفه‌های اجتماعی.

هیلگارتنر^۳ (۱۹۹۰) در مقاله‌ی خود با عنوان «نگاه مسلط به محبوبیت؛ مشکلات مفهومی، کاربردهای سیاسی» اشاره دارد که احترام مردم آمریکا به اقتدار علمی نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که فرضیات و ادعاهای دانشمندان در مورد پدیده‌های

مختلف، به‌طورجدی با خصوصیات قابل مشاهده در مورد آن پدیده‌ها در جهان طبیعی ارتباط دارند.

باور^۴ و همکارانش (۲۰۰۰) نیز در پژوهش خود با عنوان «دانش عمومی و گرایش به علم»، معتقدند در اکثر موارد پژوهشگران آموخته‌اند تنها چیزی که ارزش دانستن دارد، علم و حقایق و اطلاعات و مستندات تولید شده از آزمایش‌ها و کشفیات علمی است. با توجه به اعلام مأموریت دانشگاه امام صادق(ع) در دیدار غدیر ۸۴ توسط مقام معظم رهبری و باگذشت حدود ۱۵ سال از شعار مرجعیت علمی، هنوز یک مدل جامع مرجعیت علمی که مؤلفه‌های مختلف و سطوح مرجعیت را تبیین کرده باشد، تدوین نشده است که در این مقاله تلاش شده است این مهم محقق شود.

۱-۳. مؤلفه‌های مرجعیت علمی

برای احصاء مؤلفه‌های مرجعیت علمی ضمن مرور ادبیات و بررسی اسناد و مدارک بالادستی دانشگاه امام صادق(ع) از مدل ارزیابی درونی به‌عنوان چارچوب مفهومی و منطق احصاء مؤلفه‌ها استفاده گردید. طبق این مدل ارزیابی هر نظام دانشگاهی در ۱۰ حوزه «مأموریت، چشم‌انداز، رسالت و اهداف»، «برنامه درسی و محتوا»، «عملکرد پژوهشی»، «مدیریت و اجرا»، «امکانات و تجهیزات»، «اساتید و اعضای هیأت علمی»، «دانشجویان»، «دانش‌آموختگان»، «ساختار سازمانی» و «فرآیند یاددهی و یادگیری» انجام می‌پذیرد (محمدی، ۱۳۸۵، ص. ۳۲)؛ بنابراین تلاش شد مبتنی بر این مدل و حوزه‌های مختلف آن مؤلفه‌های مرجعیت علمی دانشگاه احصاء شود. در این بخش از مقاله مؤلفه‌های مرجعیت علمی که مبتنی بر ادبیات تحقیق و مصاحبه با خبرگان و همچنین اسناد بالادستی دانشگاه امام صادق(ع) احصاء شده است، ارائه می‌گردد:

۱-۳-۱. مأموریت‌گرایی دانشگاه

دانشگاه مرجع می‌بایست یک ارزش اصیل را به‌عنوان مأموریت محوری خود دنبال نماید. اگر بخواهیم بدانیم این مقصود و مأموریت چیست باید در اندیشه مؤسسين دانشگاه آن را پیدا کرد. دانشگاه امام صادق(ع) تلفیق علوم انسانی اسلامی را به‌عنوان مأموریت ویژه خود از بدو تأسیس دنبال نموده است (بیانیه رسالت دانشگاه، ۱۳۹۳).

به‌طور متداول در عموم دانشگاه‌ها، اساتید و دانشجویان تعیین‌کننده اولویت‌ها هستند و در واقع تعیین دانشگاه به استاد و دانشجو است ولی در دانشگاه مأموریت محور، علیرغم اهمیت جایگاه استاد و دانشجو، مأموریت دانشگاه متغیر اول و محوری در تعیین اولویت‌های دانشگاه است (پیغامی، ۱۳۹۹).

۲-۳-۱. نظام برنامه‌ریزی درسی کل‌نگر و تلفیقی

در دانشگاه مرجع نظام آموزشی و به‌خصوص حوزه برنامه‌ریزی درسی آن مؤثر و کارآمد و ناظر به ایجاد تمایز طراحی می‌شوند. نظام برنامه‌ریزی درسی دانشگاه امام صادق(ع) دارای رویکرد همه‌جانبه‌گرایی، رویکرد تلفیقی، فرایندمحوری و نیازگرایی در آموزش است (نظام برنامه‌ریزی درسی دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر در برنامه‌ریزی درسی یک دانشگاه مرجع، توجه به تمام ابعاد وجودی انسان، تأکید بر علوم و تخصص‌های مختلف، توجه به مراحل و فرایند آموزش به‌صورت گام‌به‌گام، تعلیم منسجم و نظام‌مند در کنار حضور مؤثر و فعال دانشجو در درس و تأمین نیازهای فردی و اجتماعی موردنظر است.

این موضوع آن‌قدر اهمیت دارد که یکی از راهبردهای ۱۲ گانه مقام معظم رهبری برای دانشگاه امام صادق(ع) به آن اختصاص یافته است. راهبرد سوم عبارت است از: «باز مهندسی سرفصل‌ها، برنامه‌ها و متون درسی دانشگاه باهدف متوازن‌سازی بیشتر محتوا و حجم آن جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب و نظام اسلامی» (راهبردهای ۱۲ گانه ابلاغی رهبری، ۱۳۹۴).

۳-۳-۱. تولید علم

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مرجعیت علمی تولید علم است. در دانشگاه امام صادق(ع) این مؤلفه در قالب تولید، تحول و ارتقاء علوم انسانی - اجتماعی از طریق تولید دانش اسلامی تخصصی هدفمند که محصول آن موجب تحول اساسی در محتوای برنامه‌های درسی آموزش عالی و اداره‌ی جامعه اسلامی ایران باشد و در موقعیت مرجعیت علمی جهان قرار گرفته و دانشگاه‌های جاری همسو را متحول نماید، دنبال می‌شود. (سند اهداف کلان دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۳)

دانشگاه‌ها در عصر کنونی، مهم‌ترین مراکز تولید دانش و تربیت نیروی انسانی متخصص به شمار می‌روند و یکی از مهم‌ترین رسالت‌های آنها از نظر یونسکو، تولید دانش است (Anderson & Borg, 2003, p. 50).

از محورهای اصلی تولید علم می‌توان به: ۱- رصد علوم ۲- تولید دانش تخصصی سازمان‌یافته اسلامی در رشته‌های علوم انسانی - اجتماعی و ۳- اشاعه محصولات علمی با رویکرد مرجعیت علمی.

۱-۳-۴. تعاملات ملی و بین‌المللی دانشگاه

مرجعیت علمی نیازمند حضور مؤثر در عرصه‌های فراملی است. برای حضور در عرصه‌ی جهانی در راستای نیل به مرجعیت علمی و همچنین پاسخ‌گویی به مطالبات کشور و جهان اسلام و نیز تأثیرگذاری بر حوزه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، باید ساختاری برای ارتقای تعاملات ملی و بین‌المللی ایجاد نمود. (سیاست‌های کلان حوزه‌ی آموزش دانشگاه در تحقق راهبردهای مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹) تبادل دانشجو و استاد با دانشگاه‌های تراز اول خارجی و داخلی و راه‌اندازی دوره‌های بین‌المللی در این راستا مؤثر خواهد بود.

در برخی پژوهش‌های بین‌المللی نیز این مؤلفه مورد تأکید بوده است. به‌عنوان نمونه رومی دایاس^۵ و همکاران در پژوهششان، آموزش‌ها و پژوهش‌های کاربردی و مرتبط با صنعت، تعامل و وابستگی متقابل دانشگاه و جامعه در دنیای جهانی، توسعه مرادوات و تعاملات بین‌المللی را مورد تأکید قرار داده است. (Romani-Dias, Carneiro, Barbosa, 2019) همچنین در بخش‌های مختلف دانشگاه تأکید بر تعاملات بین‌المللی باید سرلوحه کارها قرار بگیرد و دانشگاه‌هایی توانسته‌اند در عرصه رقابت جهانی آموزش عالی رشد کنند که همکاری نزدیکی با دانشگاه‌های ممتاز داشته‌اند (حسینی‌مقدم، بشیری، حیدرزاده، خوشرننگ و دادگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۹۵).

۱-۳-۵. کمیت و کیفیت محصولات پژوهشی

دانشگاه مرجع می‌بایست دستاوردهای علمی خود را در قالب‌های مرسوم محصولات پژوهشی ارائه دهد؛ بنابراین توجه به شاخص‌های رایج رتبه‌بندی دانشگاه‌ها که عمدتاً

مبتنی بر محصولات پژوهشی و نه فرآیندهاست نیز می‌بایست مورد تأکید همیشگی دانشگاه مرجع باشد. (مصاحبه با خبرگان، ۱۳۹۹)

۱-۳-۶. کارآفرینی و تجاری‌سازی علم و فناوری

دانشگاه‌های مدرن از بدو پیدایش، سه نسل را تجربه کرده‌اند و هم‌اکنون در مسیر نسل چهارم قرار دارند؛ دانشگاه‌های مدرن نسل اول عموماً آموزشی و مبتنی بر فعالیت‌های تعلیمی بودند؛ دانشگاه‌های نسل دوم عموماً پژوهشی و مبتنی بر فعالیت‌های تحقیقاتی بودند؛ دانشگاه‌های نسل سوم، عموماً کارآفرین و مبتنی بر کارآفرینی و حل مسائل جامعه با رویکرد علمی و نظام‌یافته در تعامل با محیط پیرامونی هستند (مهدی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۳). سعدآبادی و همکاران (۱۳۹۹) تجاری‌سازی تحقیقات و ایجاد مراکز رشد و کارآفرینی به‌عنوان یک مؤلفه در دستیابی به مرجعیت می‌دانند که شاخص‌های مختلفی در این زمینه برای آن ذکر کرده‌اند.

با توجه به این‌که مرجعیت دانشگاه نه‌فقط برای نهادهای علمی بلکه برای نهادهای اجتماعی و سازمانها نیز مطرح هست به نظر می‌رسد نیاز است محصولات علمی دانشگاه این بخش از جامعه هدف را پوشش دهد.

۱-۳-۷. پرداختن به مسئولیت‌های اجتماعی

دانشگاه‌های نسل چهارم علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی و کارآفرینی و تجاری‌سازی و تولید ثروت به پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی نیز اهتمام دارند بنابراین مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های اجتماعی یکی از مؤلفه‌های دانشگاه مرجع است (مصاحبه با خبرگان، ۱۳۹۹).

سعدآبادی و همکاران (۱۳۹۹) یکی از مؤلفه‌های مرجعیت علمی را مؤلفه‌های اجتماعی مانند گسترش خدمات علمی - تخصصی در جامعه، تقویت ارتباط دانشگاه و جامعه، توسعه پژوهش‌ها و اولویت‌های علمی بر اساس خواست و نیاز عمومی مردم و... می‌دانند که می‌توان گفت دانشگاه باید برای رسیدن به مرجعیت علمی به مسئولیت‌های اجتماعی خود نیز توجه کافی را داشته باشد.

۱-۳-۸. نظام جامع تربیتی با رویکرد نخبه‌گزینی و نخبه‌پروری

دانشگاه، مرکزی برای تولید علم و بالندگی منابع انسانی به شمار می‌رود. از الزامات و اقتضائاتی که در این راستا باید مورد توجه قرار گیرد عامل سرمایه انسانی است. تقویت و توانمندسازی دانش‌آموختگان چندبعدی کارآفرین به‌عنوان نیروی انسانی کارآمد و علاقه‌مند به اعتلای کشور برای ورود به بازار کار، ارتقاء سطح کیفی و بهبود هرم اعضا، هیأت علمی با جذب اساتید برجسته جهانی بسیار حائز اهمیت است (کوشازاده، اکبری، معقول، جباری، کوشازاده، ۱۳۹۸، صص. ۱۴۸-۱۴۹).

دانشگاه امام صادق(ع) یک رسالت مهم و تقریباً منحصر به فرد دیگری نیز دارد و آن تربیت متخصصین متعهد است که با تلفیق علم و دین در عرصه آموزش و پژوهش، نظرات اسلام را در زمینه‌ی علوم دانشگاهی (به‌ویژه علوم اجتماعی - انسانی) که برای خدمت به جامعه به‌کار می‌روند ارائه نمایند (قضاوی‌زاده، ۱۳۸۰، ص. ۲۱۸).

راهبرد نهم از راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری به دانشگاه امام صادق(ع) به این مؤلفه مرتبط است و همچنین در بند اول از بیانیه رسالت دانشگاه امام صادق(ع) نیز به این موضوع اشاره شده است.

۱-۳-۹. نظام تأمین مالی و تولید ثروت

دانشگاه مرجع در تأمین مالی بر خودگردانی و استقلال مالی تأکید دارد و در این راستا از مسیر اخذ پروژه‌ها و فعالیت‌های پژوهشی آن دانشگاه برای تأمین نیازهای مالی جاری دانشگاه و همچنین ایجاد یک فضای کسب درآمد برای اساتید و دانشجویان فعالیت گسترده‌ای دارد (مصاحبه با خبرگان، ۱۳۹۹).

یکی از عواملی که دانشگاه‌های برتر و مرجع جهان را نسبت به سایر دانشگاه‌ها مجزا می‌کند، منابع زیاد جهت تأمین بودجه‌ی مورد نیاز آنهاست (حسینی‌مقدم، بشیری، حیدرزاده، خوشرننگ و دادگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۲).

۱-۳-۱۰. ساختار و شکل‌های علمی دانشگاه

ساختارها رفتارهای کارکنان را جهت می‌دهند؛ در سازمان‌ها هر چه قدر هم در نخبه‌گزینی تأکید شود، مادامی که ساختارها در راستای اهداف طراحی نشده باشند نمی‌توان استفاده بهینه از نخبگان داشت. ساختارهای علمی منعطف از جمله انجمن‌ها و شکل‌های علمی

خودجوش نقش مهمی در انسجام فعالیت‌های علمی دارند؛ مجموعه انجمن‌های علمی و هسته‌هایی که در دانشگاه فعال هستند و دانشجویان در قالب آنها فعالیت دارند یکی از محل‌های اصلی تولید علم به حساب می‌آیند.

راهبرد ششم از مجموعه راهبردهای ۱۲ گانه ابلاغی مقام معظم رهبری به دانشگاه امام صادق (ع) به این مهم اشاره دارد که عبارت است از: «ایجاد انجمن‌های علمی قدرتمند برای هر یک از رشته‌های علمی دانشگاه باهدف اتصال دانش‌آموختگان توانا به دانشگاه و امکان بهره‌گیری از آنها در فعالیت‌های علمی، تحقیقاتی و فرهنگی دانشگاه». این مؤلفه شامل ساختار سازمانی، کارکنان، زیرساخت‌ها اعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و ... یعنی از نظام روابط کارهای اداری تا فضاهای فیزیکی و محیطی دانشگاه را شامل می‌شود.

۱-۳-۱۱. رویه‌ها و نظام‌های آموزشی خاص

تحقیق و پژوهش علمی فرآیند حل مسأله است و در مقابل تعلیم و آموزش فرآیند پاسخ‌گویی به سؤال محسوب می‌شود. سؤال ذهنی در بستری از جهل و ناآگاهی انسان شکل می‌گیرد و انسان در سطوح مختلف رشد فکری و علمی خود آرام‌آرام و به تدریج اطلاعات علمی را کسب کرده، به سؤالات پاسخ می‌گوید، نظام‌های آموزشی اساساً در رفع همین نیاز طراحی شده‌اند (نبوی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۵). رویه‌ها و نظام‌های آموزشی خاص که تفکر نقادانه و تحلیل مسأله را در فرد تقویت نمایند مسیر تحقیق و پژوهش و تولید علم را فراهم می‌سازند.

۱-۳-۱۲. مدیریت عالی دانشگاه

اهمیت نقش مدیریت در پیشبرد اهداف آموزش عالی همواره مورد توجه صاحب‌نظران آموزش عالی بوده است (آراسته، ۱۳۸۰، ص. ۲۲). مدیریت عالی نقش بسزایی در ارتقاء دانشگاه و هم‌افزایی فعالیت‌ها دارد؛ لازمه‌ی ارتقاء و رشد، کیفیت همراهی و تأیید مدیریت عالی سازمان است بنابراین درک صحیح مرجعیت از سوی رئیس دانشگاه و تسری آن به زیرمجموعه از مؤلفه‌های اثرگذار در تحقق مرجعیت است.

جدول (۱): مؤلفه‌های مرجعیت و منابع احصاء آنها

ردیف	حوزه‌های ارزیابی دانشگاه	مؤلفه	مرجع/مستند
۱	مأموریت، چشم‌انداز، رسالت و اهداف	مأموریت‌گرایی دانشگاه	بیانیه رسالت دانشگاه، ۱۳۹۳؛ پیغامی، ۱۳۹۹
۲	برنامه درسی و محتوا	نظام برنامه‌ریزی درسی کل‌نگر و تلفیقی	نظام برنامه‌ریزی درسی دانشگاه امام صادق(ع)؛ راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری به دانشگاه امام صادق(ع)
۳	عملکرد پژوهشی	تولید علم	سند اهداف کلان دانشگاه امام صادق(ع)؛ Anderson & Borg, 2003
۴		کمیت و کیفیت محصولات پژوهشی	مصاحبه با خبرگان
۵	مدیریت و اجرا	تعاملات ملی و بین‌المللی دانشگاه	سیاست‌های کلان حوزه آموزش دانشگاه؛ رومی دایاس و همکاران (۲۰۱۹)؛ حسینی - مقدم و همکاران (۱۳۹۸)
۶		نظام تأمین مالی و تولید ثروت	مصاحبه با خبرگان؛ حسینی مقدم و همکاران (۱۳۹۸)
۷		مدیریت عالی دانشگاه	مصاحبه با خبرگان؛ آراسته (۱۳۸۰)
۸	امکانات و تجهیزات	کارآفرینی و تجاری‌سازی علم و فناوری	مهدی (۱۳۹۴)؛ سعدآبادی و همکاران (۱۳۹۹)
۹	اساتید و اعضای هیأت علمی / دانشجویان / دانش‌آموختگان	پرداختن به مسئولیت‌های اجتماعی	مصاحبه با خبرگان؛ سعدآبادی و همکاران (۱۳۹۹)
۱۰		نظام جامع تربیتی با رویکرد نخبه‌گزینی و نخبه‌پروری	کوشازاده و همکاران (۱۳۹۸)؛ قضاوی‌زاده (۱۳۸۰)؛ راهبردهای ابلاغی مقام معظم

رهبری به دانشگاه امام صادق(ع)؛ بیانیه رسالت دانشگاه امام صادق(ع)			
راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری به دانشگاه امام صادق(ع)	ساختار و تشکل‌های علمی دانشگاه	ساختار سازمانی	۱۱
نبوی (۱۳۸۹)	رویه‌ها و نظام‌های آموزشی خاص	فرآیند یاددهی و یادگیری	۱۲

۲. روش تحقیق

در این پژوهش ابتدا با مرور ادبیات درزمینه‌ی مرجعیت علمی و اسناد راهبردی دانشگاه امام صادق(ع) مؤلفه‌های مرجعیت علمی احصا گردید، سپس با ارائه این مؤلفه‌ها به خبرگان موضوع، روابط بین مؤلفه‌ها جهت استخراج مدل نهایی تعیین گردید. به‌منظور مدل‌سازی ساختاری مؤلفه‌های مرجعیت علمی از روش «مدل‌سازی ساختاری تفسیری» استفاده شده است. پس از احصاء مؤلفه‌ها که مبتنی بر منطق ارزیابی درونی دانشگاه‌ها انجام پذیرفت، برای سنجش اعتبار و روایی مؤلفه‌ها یک جلسه گروه کانونی تشکیل شد. در این جلسه که با حضور خبرگانی در رشته‌های مرتبط برگزار شد پس از بحث و بررسی و جرح و تعدیل مؤلفه‌ها نهایتاً ۱۲ مؤلفه مذکور مورد وفاق خبرگان قرار گرفت. در این جلسه به لزوم برخورداری مؤلفه‌ها از یک چارچوب و منطق مشخص تأکید شد و درواقع استفاده از الگوی ارزیابی درونی دانشگاه و انطباق مؤلفه‌ها بر آن خروجی این جلسه بوده است.

مدل‌سازی ساختاری تفسیری یکی از روش‌های طراحی سیستم‌ها، به‌ویژه سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی است. رویکرد ISM، افراد و گروه‌ها را قادر می‌سازد که روابط پیچیده بین تعداد زیادی از عناصر را در یک موقعیت پیچیده تصمیم‌ترسیم کنند و به‌عنوان ابزاری برای نظم بخشیدن و جهت دادن به پیچیدگی روابط بین متغیرها عمل می‌کند. در این روش با تحلیل تأثیر یک عنصر بر دیگر عناصر، ترتیب و جهت روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم بررسی و بدین‌وسیله بر پیچیدگی بین عناصر غلبه می‌شود. روش «مدل‌سازی ساختاری تفسیری» یک فرایند یادگیری تعاملی است. در آن مجموعه‌ای

از عناصر متفاوت در قالب یک مدل سیستماتیک جامع ساختاردهی می‌شوند (آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵۷-۲۵۸).

این روش تفسیری است، چون قضاوت گروهی از افراد تعیین می‌کند که آیا روابطی میان این عناصر وجود دارد یا خیر و افزون بر آن این روش ساختاری است، زیرا اساس روابط یک ساختار سراسری و از مجموعه‌ی پیچیده‌ای از متغیرها استخراج شده است که ایده اصلی مدل‌سازی ساختاری تفسیری تجزیه یک سیستم پیچیده به چند زیرسیستم با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان جهت ساخت یک مدل ساختاری چند سطحی است (علی‌اکبری و اکبری، ۱۳۹۶، ص. ۱۰-۱۱).

فرآیند مدل‌سازی ساختاری تفسیری را به شرح زیر بیان می‌کنند:

- ۱- شناسایی متغیرهای مرتبط با مسأله: این مرحله می‌تواند با بررسی مطالعات گذشته و دریافت نظر کارشناسان صورت گیرد.
- ۲- تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری: در این مرحله متغیرهای مسأله به صورت دوه‌دو و زوجی باهم بررسی می‌شوند.
- ۳- ایجاد ماتریس دسترسی اولیه: در این مرحله، ماتریس خود تعاملی ساختاری به یک ماتریس دودویی تبدیل می‌شود.
- ۴- ایجاد ماتریس دسترسی نهایی: پس از آن‌که ماتریس دسترسی اولیه به دست آمد، با وارد نمودن انتقال‌پذیری در روابط متغیرها ماتریس دسترسی نهایی به دست می‌آید.
- ۵- بخش‌بندی سطح: در این مرحله، ماتریس دسترسی به سطوح مختلف دسته‌بندی می‌شود. تعداد اجزای تشکیل‌دهنده سیستم‌های بزرگ و روابط میان آنها شبکه‌ای از خطوط متصل است که اغلب به پیچیدگی سیستم می‌افزاید و از قابلیت تجزیه و تحلیل آن می‌کاهد. تفکیک سیستم به سطوح مختلف به شفاف‌سازی نقش هر یک از اجزای تشکیل‌دهنده و تعامل طرفینی آنها کمک و فرآیند تجزیه و تحلیل آنها را نیز تسهیل می‌نماید.
- ۶- رسم مدل اولیه و نهایی ساختار تفسیری: در این مرحله با توجه به سطوح متغیرها و ماتریس دسترسی نهایی یک مدل اولیه رسم و از طریق حذف انتقال‌پذیری‌ها در مدل اولیه مدل نهایی به دست می‌آید.

۷- تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (MICMAC): در این مرحله متغیرها در چهار دسته طبقه‌بندی می‌شوند که می‌توان آنها را به صورت زیر نشان داد: (آذر و خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲، ص. ۲۶۲)

جدول (۲): انواع متغیرهای جدول MICMAC

وابستگی بالا	وابستگی پایین	
مستقل	پیوندی	قدرت نفوذ بالا
خودمختار	وابسته	قدرت نفوذ پایین

منبع: (ردادی و نجفی فراشاه و آذرفر، ۱۳۹۵)

در این پژوهش برای پیاده‌سازی مرحله اول یعنی شناسایی مؤلفه‌های مؤثر مسأله با مرور ادبیات تحقیق و مطالعه و بررسی اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه‌ای دانشگاه انجام پذیرفت و سپس بازبینی و تنقیح مجدد مؤلفه‌ها انجام شد و تعریف خود را از آنها بیان کرده و مؤلفه‌های نهایی مسأله به دست آمد.

در گام بعدی پژوهش این مؤلفه‌ها به عنوان متغیرهای مرتبط با مسأله وارد روش ساختاری تفسیری گردیدند و به عنوان گزینه‌های پرسشنامه استاندارد مدل ساختاری تفسیری استفاده شدند. با توجه به ۱۲ مؤلفه به دست آمده یک ماتریس ۱۲ در ۱۲ شامل مؤلفه‌ها برای تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری تشکیل و در اختیار اساتید و پژوهشگران و مدیران ارشد دانشگاه امام صادق (ع) قرار داده شد. افراد بر اساس جدول راهنمای زیر پرسشنامه را تکمیل کردند.

جدول (۳): راهنمای تکمیل پرسشنامه ISM

نماد	مفهوم
V	عامل سطر (i) می‌تواند زمینه‌ساز عامل ستون (j) باشد.
A	عامل ستون (j) می‌تواند زمینه‌ساز عامل سطر (i) باشد.
X	بین عامل سطر (i) و ستون (j) ارتباط دوطرفه وجود دارد.
O	هیچ نوع ارتباطی بین این دو عنصر وجود ندارد.

منبع: (ردادی و نجفی فراشاه و آذرفر، ۱۳۹۵)

برای تبدیل این ماتریس به ماتریس دسترسی اولیه تفسیر علائم بالا را این طور بیان می‌کنند:

۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	کارآفرینی و تجاری‌سازی علم و فناوری	۶
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	پرداختن به مسئولیت‌های اجتماعی	۷
۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	نظام جامع تربیتی با رویکرد نخبه‌گزینی و نخبه‌پروری	۸
۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	نظام تأمین مالی و تولید ثروت	۹
۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	ساختار و شکل‌های علمی دانشگاه	۱۰
۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	رویه‌ها و نظام‌های آموزشی خاص	۱۱
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	مدیریت عالی دانشگاه	۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق

در مرحله بعدی باید متغیرها را برای رسم مدل سطح‌بندی کرد. برای این کار با استفاده از ماتریس دسترسی نهایی، مجموعه خروجی و ورودی برای هر متغیر به‌دست می‌آید. پس از تشکیل مجموعه‌های ورودی و خروجی و تشکیل مجموعه مشترک، به سطح‌بندی مدل می‌پردازیم. در این گام، متغیرهایی که مجموعه خروجی و مشترک آنها کاملاً مشابه باشند، در بالاترین سطح از سلسله‌مراتب مدل ساختاری تفسیری قرار می‌گیرند. به‌منظور یافتن اجزای تشکیل‌دهنده سطح بعدی سیستم، اجزای بالاترین سطح آن در محاسبات ریاضی جدول مربوط حذف می‌شوند و عملیات مربوط به تعیین اجزای سطح بعدی، مانند روش تعیین اجزای بالاترین سطح انجام می‌شود. این عملیات تا جایی تکرار می‌شود که اجزای تشکیل‌دهنده همه سطوح سیستم مشخص شوند. (آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲، ص. ۲۶۱-۲۶۲) جدول‌های زیر نشان‌دهنده این روند هستند.

جدول (۶): تکرار اول (سطح اول)

مؤلفه	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
۱	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱	۱	۱	
۲	۲	۱،۲	۲	۱
۳	۳،۴،۵،۶	۱،۳،۸،۱۰،۱۱	۳	
۴	۴،۶	۱،۳،۴،۸،۱۰،۱۱	۴	
۵	۵	۱،۳،۵،۸،۹،۱۰،۱۱	۵	۱
۶	۶	۱،۳،۴،۶،۸،۱۰،۱۱	۶	۱
۷	۷	۱،۷	۷	۱
۸	۳،۴،۵،۶،۸	۱،۸،۱۱	۸	
۹	۵،۹	۹	۹	
۱۰	۳،۴،۵،۶،۱۰	۱،۱۰	۱۰	
۱۱	۳،۴،۵،۶،۸،۱۱	۱،۱۱	۱۱	

مؤلفه	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
مدیریت عالی دانشگاه	۱۲	۱۲	۱۲	۱

منبع: یافته‌های تحقیق

در این تکرار با توجه به اینکه مؤلفه‌های نظام برنامه‌ریزی درسی کل‌نگر و تلفیقی، کمیت و کیفیت محصولات پژوهشی، کارآفرینی و تجاری‌سازی علم و فناوری، پرداختن به مسئولیت‌های اجتماعی و مدیریت عالی دانشگاه، مجموعه خروجی و مشترک یکسانی دارند، به‌عنوان مؤلفه‌های سطح اول یا مؤلفه‌هایی که بیشترین تأثیر را می‌پذیرند، از مجموعه مؤلفه‌ها خارج می‌شوند.

جدول (۷): تکرار دوم (سطح دوم)

مؤلفه	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
مأموریت‌گرایی دانشگاه	۱.۳.۴.۸.۱۰.۱۱	۱	۱	۱
تولید علم	۳.۴	۱.۳.۸.۱۰.۱۱	۳	۳
تعاملات ملی و بین‌المللی دانشگاه	۴	۱.۳.۴.۸.۱۰.۱۱	۴	۲
نظام جامع تربیتی با رویکرد نخبه‌گزینی و نخبه‌پروری	۳.۴.۸	۱.۸.۱۱	۸	۸
نظام تأمین مالی و تولید ثروت	۹	۹	۹	۲
ساختار و شکل‌های علمی دانشگاه	۳.۴.۱۰	۱.۱۰	۱۰	۱۰
رویه‌ها و نظام‌های آموزشی خاص	۳.۴.۸.۱۱	۱.۱۱	۱۱	۱۱

منبع: یافته‌های تحقیق

در تکرار بعدی، پس از حذف مؤلفه‌های ۲، ۵، ۶، ۷ و ۱۲ از بین مؤلفه‌ها، مؤلفه‌های تعاملات ملی و بین‌المللی دانشگاه و نظام تأمین مالی و تولید ثروت نیز به دلیل یکسان شدن مجموعه خروجی و مشترک به‌عنوان سطح دوم انتخاب و حذف می‌شوند.

جدول (۸): تکرار سوم (سطح سوم)

مؤلفه	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
۱	۱.۳۸.۱۰.۱۱	۱	۱	۱
۳	۳	۱.۳۸.۱۰.۱۱	۳	۳
۸	۳.۸	۱.۸.۱۱	۸	۸
۱۰	۳.۱۰	۱.۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۳.۸.۱۱	۱.۱۱	۱۱	۱۱

منبع: یافته‌های تحقیق

در تکرار سوم، مؤلفه تولید علم به‌عنوان سطح سوم مؤلفه‌ها انتخاب می‌شود و از بین دیگر مؤلفه‌ها حذف می‌شود.

جدول (۹): تکرار چهارم (سطح چهارم)

مؤلفه	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
۱	۱.۸.۱۰.۱۱	۱	۱	۱
۸	۸	۱.۸.۱۱	۸	۴

۴	۱۰	۱،۱۰	۱۰	ساختار و تشکل‌های علمی دانشگاه	۱۰
	۱۱	۱،۱۱	۸،۱۱	رویه‌ها و نظام‌های آموزشی خاص	۱۱

منبع: یافته‌های تحقیق

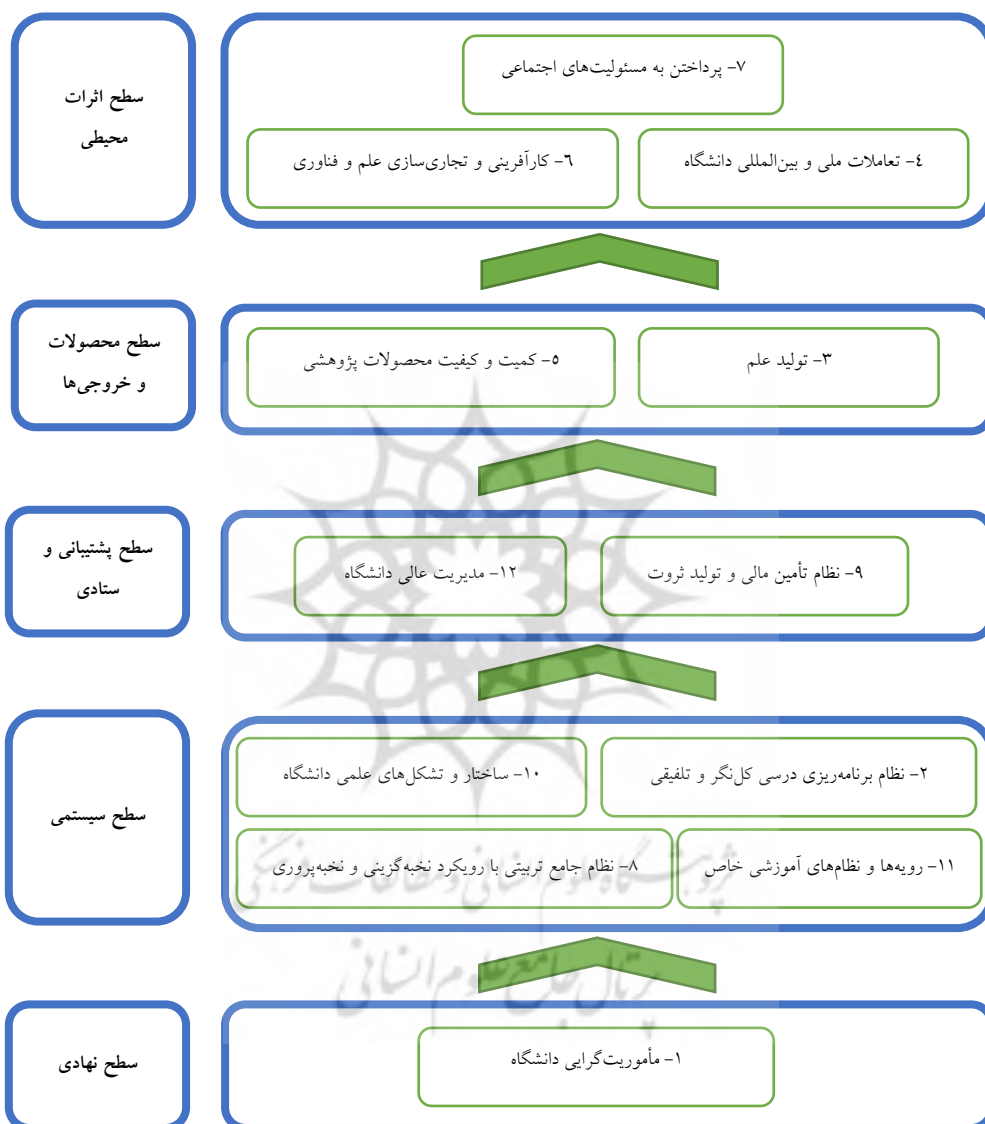
در این گام، مؤلفه‌های نظام جامع تربیتی با رویکرد نخبه‌گزینی و نخبه‌پروری و ساختار و تشکل‌های علمی دانشگاه به‌عنوان سطح چهارم مؤلفه‌ها از بین دیگر مؤلفه‌ها حذف می‌شوند.

جدول (۱۰): تکرار پنجم (سطح پنجم و ششم)

مؤلفه	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک سطح	تکرار
مأموریت‌گرایی دانشگاه	۱،۱۱	۱	۱	۶
رویه‌ها و نظام‌های آموزشی خاص	۱۱	۱،۱۱	۱۱	۵

منبع: یافته‌های تحقیق

در تکرار پنجم نیز مؤلفه رویه‌ها و نظام‌های آموزشی خاص به‌عنوان مؤلفه سطح پنجم انتخاب می‌شود و درنهایت، مؤلفه مأموریت‌گرایی دانشگاه به‌عنوان مؤثرترین مؤلفه بر مرجعیت علمی در پایین‌ترین سطح مدل قرار می‌گیرد.



تصویر شماره (۱): مدل نهایی سطح‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر مرجعیت علمی

منبع: یافته‌های تحقیق

در این مرحله با توجه به سطح‌بندی مؤلفه‌ها می‌توان مدل ساختاری تفسیری مؤلفه‌های مؤثر در مرجعیت علمی را رسم نمود. سطح‌بندی به‌دست‌آمده در مقایسه با ادبیات بررسی‌شده در این حوزه نشان می‌دهد که می‌توانیم مؤلفه‌ها را در پنج سطح نهادی، سیستمی، پشتیبانی و ستادی، محصولات و خروجی‌ها و اثرات محیطی نشان دهیم که بر این اساس مدل نهایی سطح‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر مرجعیت علمی به‌صورت تصویر شماره (۱) است.

همان‌طور که در مدل نهایی مشاهده می‌شود «مأموریت‌گرایی» در ریشه‌ای‌ترین سطح یعنی سطح نهادی قرار گرفته و پیش‌نیاز دیگر مؤلفه‌های مرجعیت علمی است. در واقع این مأموریت اصلی دانشگاه است که سایر مؤلفه‌های مرجعیت علمی را جهت می‌دهد؛ بنابراین دانشگاه‌ها برای نیل به مرجعیت علمی می‌بایست در وهله‌ی اول مأموریت محوری خود؛ یعنی هسته مرکزی فعالیت خود را تعریف نمایند؛ سطح بعدی سطح سیستمی است که کارکرد اصلی نظام دانشگاه را تبیین می‌کند؛ مؤلفه‌های ناظر بر زیر نظام آموزشی دانشگاه و همچنین مؤلفه‌های تربیتی که از مسیر آموزش عبور می‌کنند در این سطح قرار دارند. مؤلفه‌های این سطح شامل «ساختار و شکل‌های علمی دانشگاه»، «نظام برنامه‌ریزی درسی کل‌نگر و تلفیقی»، «نظام جامع تربیتی با رویکرد نخبه‌گزینی و نخبه‌پروری» و «رویه‌ها و نظام‌های آموزشی خاص» می‌باشند. این مؤلفه‌ها که مطابق ادبیات مربوط به سطح‌بندی دانشگاه‌ها ناظر بر دانشگاه‌های نسل اول (دانشگاه‌های آموزش محور) می‌باشند دارای درجه استقلال بالایی بوده و نسبتاً ریشه‌ای قلمداد می‌شود؛ در واقع مسیر نظریه‌پردازی، پژوهش‌های عمیق و تولید علم که ناظر بر دانشگاه‌های نسل دوم (دانشگاه‌های پژوهش محور) می‌باشد از دوره‌های آموزشی خاص و مؤثر می‌گذرد و آموزش مؤثر و کارآمد است که فرد را آماده‌ی تولید علم می‌نماید و مادامی که فرد آموزش‌های علمی را ندیده باشد از پژوهش عمیق و نظریه‌پردازی عاجز است؛ بار اصلی مرجع شدن بر عهده‌ی نخبگانی است که در ساختارهای علمی دانشگاه فعال بوده و به تولید علم می‌پردازند؛ سطح سوم مؤلفه‌های ناظر به فعالیت‌های پشتیبانی و ستادی را منعکس می‌سازد. در این سطح «مدیریت عالی دانشگاه» و «نظام تأمین مالی و تولید ثروت» قرار دارند. در بسیاری از دانشگاه‌های پیشرو، استقلال مالی و عدم وابستگی به

بودجه‌های دولتی مشهود است. تولید ثروت از محل حل مسائل جامعه و صنعت و همچنین تأمین مالی از محل موقوفات و خیرین و نهادهای اجتماعی و مردمی و نه دولتی انجام می‌پذیرد. سطح چهارم مربوط به لایه محصولات و خروجی‌های علمی است. دانشگاه مرجع هم فرآیندگرا و هم نتیجه‌گراست. در این سطح دو مؤلفه «تولید علم» و «کمیت و کیفیت محصولات پژوهشی» قرار دارد. دانشگاه ناگزیر است فعالیت‌های خود را برای اطلاع جامعه علمی و اجرایی ملی و حتی بین‌المللی منتشر سازد. این محصولات نیز محل ارجاع و استناد سایر اندیشمندان قرار خواهد گرفت و به تحقق مرجعیت دانشگاه کمک شایانی خواهد کرد. در واقع این دو مؤلفه مؤلفه‌های مرکزی مرجعیت علمی می‌باشند. بالاترین سطح که در حقیقت لایه بیرونی مدل می‌باشد اثرات محیطی دانشگاه را بیان می‌کند. در این سطح مؤلفه‌های «پرداختن به مسئولیت‌های اجتماعی»، «تعاملات ملی و بین‌المللی دانشگاه» و «کارآفرینی و تجاری‌سازی علم و فناوری» قرار دارند. این مؤلفه‌ها ناظر به دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم هستند. دانشگاه مرجع از حیث کارآفرینی و مسئولیت‌های اجتماعی نسبت به مسائل پیرامونی و محیطی خود حساس است، دائم در حال پایش وضعیت محیطی و پاسخ‌گویی به تغییرات محیطی است.

۳-۱. تحلیل MICMAC

بر اساس تحلیل MICMAC می‌توان مؤلفه‌های مدل را به چهار گروه طبقه‌بندی کرد: (آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲، ص. ۲۶۲)

- ۱- متغیرهای خودمختار (ناحیه اول): این متغیرها قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند و تا حدودی از سایر متغیرها مجزا هستند و ارتباطات کمی دارد.
- ۲- متغیرهای وابسته (ناحیه دوم): متغیرهایی هستند که از قدرت نفوذ ضعیف اما وابستگی بالایی برخوردارند.
- ۳- متغیرهای پیوندی (ناحیه سوم): این متغیرها قدرت نفوذ و وابستگی بالایی دارند و در واقع هرگونه عملی بر روی این متغیرها منجر به تغییر سایر متغیرها می‌شود.
- ۴- متغیرهای مستقل (ناحیه چهارم): این متغیرها از قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی برخوردارند. متغیرهایی که از قدرت نفوذ بالایی برخوردارند اصطلاحاً متغیرهای کلیدی خوانده می‌شوند.

از طریق جمع کردن ورودی‌های «۱» در هر سطر و ستون قدرت نفوذ و میزان وابستگی متغیرها به دست می‌آید. بر همین اساس مؤلفه‌های مؤثر در مرجعیت علمی به صورت زیر در نمودار قدرت نفوذ - وابستگی جا می‌گیرند:

زیاد	۱۲												
	۱۱												
	۱۰	۱											
	۹												
	۸												
	۷												
نفوذ	۶		۱۱										
	۵		۱۰	۸									
	۴												
	۳												
	۲	۹					۴						
کم	۱	۱۲	۲ و ۷					۵ و ۶					
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
		کم					وابستگی						زیاد

تصویر شماره (۲): نمودار تحلیل MICMAC

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که از نمودار فوق مشخص است به جز متغیرهای مأموریت‌گرایی دانشگاه (۱)، محصولات پژوهشی (۵) و کارآفرینی و تجاری‌سازی (۶) سایر متغیرها در ناحیه اول یعنی خودمختار قرار دارند که هم نفوذ و هم وابستگی کمی دارند. مؤلفه‌هایی چون کمیت و کیفیت محصولات پژوهشی (۵) و کارآفرینی و تجاری‌سازی (۶) در ناحیه دوم یعنی وابسته قرار دارند، به عبارت دیگر بیشتر تحت تأثیر سایر مؤلفه‌ها بوده و از نظر سیستمی جزء عناصر اثرپذیر و وابسته است و برای ایجاد این مؤلفه‌ها عوامل زیادی دخالت دارند و خود آنها کمتر می‌توانند زمینه‌ساز مؤلفه‌های دیگر باشند.

مؤلفه‌ی مأموریت‌گرایی دانشگاه (۱) در ناحیه چهارم یعنی مستقل قرار دارد که جزو مؤلفه‌های کلیدی به شمار می‌رود. این مؤلفه قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مرجعیت علمی آرمان بسیاری از دانشگاه‌ها و نهادهای علمی است که نیل به آن نیازمند شناخت دقیق مؤلفه‌های مرجعیت علمی و شبکه ارتباطی بین مؤلفه‌ها است. مرجعیت علمی دانشگاه هم آن را محل رجوع سایر اندیشمندان قرار می‌دهد و هم منجر به اثرگذاری و جریان‌سازی دانشگاه مرجع در مسیر تولید علم می‌شود. دانشگاه مرجع در علم تحول ایجاد می‌کند و در واقع مرجعیت علمی و تحول در علم لازم و ملزوم یکدیگر هستند. مرجعیت علمی مسیر طولانی و دشواری است که رشد چندبعدی و همه‌جانبه را می‌طلبد و صرف تأکید بر یک بعد و غفلت از سایر ابعاد مانع تحقق مرجعیت علمی است. اگر دانشگاهی صرفاً بر تولید علم تأکید داشته و غافل از مسئولیت‌های اجتماعی، تعاملات ملی و بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های مرجعیت علمی باشد امکان وصول به آرمان مرجعیت را نخواهد داشت؛ بنابراین تحقق مرجعیت علمی نیازمند شناخت جامع و همه‌جانبه مؤلفه‌های مرجعیت است.

در این پژوهش مسأله اصلی چیستی مؤلفه‌های مرجعیت علمی و چیستی روابط بین این مؤلفه‌ها بوده است. در این مقاله تلاش شد این مؤلفه‌ها احصا شده و سپس با رویکردهای علمی شبکه روابط بین این مؤلفه‌ها مبتنی بر تجارب ارزنده دانشگاه امام صادق(ع) و خبرنگان موضوع کشف شود؛ نتایج حاصله در قالب مدل مفهومی مرجعیت علمی ارائه گردید و سپس تحلیل‌های توصیفی بعدی آن نیز تشریح شد؛ مدل حاصل دارای پنج سطح شامل سطح نهادی، سطح سیستمی، سطح پشتیبانی و ستادی، سطح محصولات و خروجی‌ها و سطح اثرات محیطی می‌باشد که هر کدام از این سطوح شامل برخی از مؤلفه‌های مرجعیت علمی دانشگاه است. ضمن این‌که برای تحقق مرجعیت علمی دانشگاه می‌بایست رشدی متوازن در همه مؤلفه‌ها ایجاد شود نباید از روابط علی-معلولی بین مؤلفه‌ها غافل بود. به عبارت دیگر برای طی مسیر وصول به مرجعیت علمی لازم است در ابتدا به مؤلفه‌های سطح نهادی و سطح سیستمی توجه شود که این مؤلفه‌ها شامل «مأموریت‌گرایی»، «نظام برنامه‌ریزی درسی کل‌نگر و تلفیقی»، «نظام جامع تربیتی

با رویکرد نخبه‌گزینی و نخبه‌پروری»، «ساختار و تشکل‌های علمی دانشگاه» و «رویه‌ها و نظام‌های آموزشی خاص» می‌باشد. تغییر در این مؤلفه‌ها خود باعث تغییر و تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های سطوح بالاتر می‌شود. این مدل می‌تواند مسیر حرکت هر دانشگاه مأموریت‌گرا را در مسیر نیل به مرجعیت علمی تسهیل نماید؛ برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد با روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه اولویت‌های این مؤلفه‌ها نیز تعیین شده تا میزان توجه به مؤلفه و در واقع میزان سهم هر مؤلفه در تحقق مرجعیت علمی تعیین شود.

یادداشت‌ها

1. Multi factorial
2. Gardner
3. Hilgartner
4. Bauer
5. Romani-Dias

کتابنامه

- آذر، عادل؛ خسروانی، فرزانه و جلالی، رضا (۱۳۹۲). تحقیق در عملیات نرم: رویکردهای ساختاردهی مسأله. تهران: سازمان مدیریت صنعتی. چاپ دوم.
- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۰). مدیریت در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: چالش‌ها و کاستی‌ها. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۷ (۲۲-۲۱). ۶۹-۴۱.
- آقاتبار رودباری، جمیله و جوانیان، مصطفی (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی آموزش مفاهیم آینده‌نگاری و مرجعیت علمی به دانشجویان در گروه‌های کوچک: مطالعه نیمه تجربی در اجرای برنامه‌های بسته‌ی آینده‌نگاری و ظرفیت‌سازی برای کسب مرجعیت علمی. نوین سلامت. ۳ (۳). ۱۹-۲۴.
- باقری، پژمان؛ آوند، ابوالقاسم؛ کوه‌پایه، سیدامین؛ همایون‌فر، رضا؛ فرجام، مجتبی و آوند، فاطمه (۱۳۹۵). نکاتی پیرامون مرجعیت علمی با نگاهی به نقش‌آفرینی دانشجویان در تحقق آن و موانع موجود. *دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*. ۲۴ (۱). ۵۳-۵۱.
- بیانیه رسالت دانشگاه امام صادق(ع) (۱۳۸۱). قابل دسترسی در:

<https://isu.ac.ir/page/1546> / بیانیه-رسالت

پور رضا، رسول (۱۳۹۰). رسالت آموزش در کسب مرجعیت علمی، از منظر نقشه جامع علمی کشور، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴. تهران: پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت.

پیغامی، عادل (۱۳۹۹). متن مصاحبه معاونت طرح و برنامه دانشگاه امام صادق(ع) با دکتر پیغامی پیرامون شاخص‌های مرجعیت علمی. قابل دسترسی در:

<https://isu.ac.ir/page/1556/%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84%E2%80%8C%D9%87%D8%A7>

تابان، محمد؛ سیدجوادین، سیدرضا؛ پوراشرف، یاسان‌اله؛ یاسینی، علی و ویسه، سیدمهدی (۱۳۹۵). شناسایی مؤلفه‌های مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران با رویکرد داده بنیاد. فصلنامه‌ی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. ۲۰ (۶۷). ۱۸۲-۱۶۳.

تابان، محمد؛ یاسینی، علی؛ شیری، اردشیر و محمدی، اسفندیار (۱۳۹۵). طراحی و تبیین الگوی مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران بر اساس زندگی‌نامه اندیشمندان کشور با رویکرد تحلیل مضمون. فصلنامه مطالعات دانش‌شناسی. ۶ (۲). ۲۸ - ۲۲.

تولایی، روح‌الله (۱۳۸۷). مرجعیت علمی و رسالت دانشگاه امام صادق(ع). مجموعه مقالات همایش به سوی مرجعیت علمی. تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع).

چگین، میثم (۱۳۸۷). مرجعیت علمی و نقش پژوهش در تولید و توسعه علمی. مجموعه مقالات به‌سوی مرجعیت علمی. تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع).

حاجی‌احمدی، مریم؛ حسینی‌ابرد، مریم؛ شهریار، علیرضا و یزدانی، شهرام (۱۳۹۸). مرجعیت علمی. تهران: مرکز تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی.

حسینی‌مقدم، محمد؛ بشیری، حسین؛ حیدرزاده، آبتین؛ خوشرنگ، حسین و دادگران، ایده (۱۳۹۸). ارائه الگوی پیشنهادی آینده‌نگاری مرجعیت علمی با تأکید بر مطالعه موردی دانشگاه علوم پزشکی گیلان. دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران. ۴ (۱). ۱۷۱-۲۰۵.

راهبردهای کلان ابلاغی مقام معظم رهبری برای ده‌ساله آینده دانشگاه امام صادق(ع) (۱۳۹۴). قابل دسترسی در <https://isu.ac.ir>

رداد، علی؛ نجفی‌فراشاه، سید علی‌محمد و آذرفر، امیر (۱۳۹۵). الگوسازی روابط ساختاری و پیش‌نیازی مفاهیم سازنده اقتصاد مقاومتی با استفاده از رویکرد ساختاری - تفسیری (ISM). مطالعات راهبردی بسیج. ۱۹ (۷۱). ۳۱-۵.

رودی، کمیل (۱۳۸۷). طراحی مدل دانشکده مرجع علمی (مطالعه موردی: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق(ع). تهران. ایران.

سعدآبادی، علی اصغر؛ رحیمی راد، زهره و فرتاش، کیارش (۱۳۹۹). بازشناسی مؤلفه‌های ناظر بر مفهوم مرجعیت علمی. *فصلنامه علمی پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. ۱۰ (۳۵). ۸۷-۱۱۵.
سلطانی، مرتضی (۱۳۸۵). *تدوین استراتژی‌های کلان پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق(ع). تهران. ایران.

سند چشم‌انداز دانشگاه امام صادق(ع) (۱۳۹۳). قابل دسترسی در:

<https://isu.ac.ir/page/1546> /بیانیه-رسالت

سیاست‌های کلان حوزه‌ی آموزش دانشگاه در تحقق راهبردهای مقام معظم رهبری (۱۳۹۹).

قابل دسترسی در <https://isu.ac.ir/>

سیدجوادی، سید رضا؛ حسنقلی‌پور، طهمورث؛ رهنورد، فرج‌الله و تاب، محمد (۱۳۹۱). مفهوم‌پردازی مرجعیت علمی در نظام دانشگاه. پژوهش در نظام‌های آموزشی. ۶ (۱۶). ۲۷-۱.

عبدی، فریدون (۱۳۹۴). تدابیر و راهبردهای مقام معظم رهبری در زمینه کسب مرجعیت علمی بین‌المللی. مجموعه مقالات هشتمین کنگره پیشگامان پیشرفت. ج ۳.

علی اکبری، اسماعیل و اکبری، مجید (۱۳۹۶). مدل‌سازی ساختاری - تفسیری عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*. ۲۳ (۱). ۳۳-۱.

قبادی، عبدالمجید (۱۳۸۵). مرجعیت علمی با رویکرد اسلامی. *روزنامه‌ی رسالت*. صفحه‌ی ۱۸ مورخ ۸۵/۵/۱۴ قابل دسترس در:

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID:1163566>

قضاوی‌زاده، مهدی (۱۳۸۰). *الگوی پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) در جایگاه مرجعیت علمی مبتنی بر مکتب علمی امام صادق(ع)*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق(ع). تهران. ایران.

قمی، حبیب‌اله؛ زادگان، علیرضا؛ علی‌زاده، ولی؛ خدایاری، محمدتقی و همتی، محمدعلی (۱۳۹۰). بررسی عوامل دستیابی به مرجعیت علمی از دیدگاه استادان دانشگاه علوم پزشکی تبریز. *افق توسعه آموزش پزشکی*. ۴ (۳). ۵۳-۵۱.

قوام‌آبادی، محمدغلام؛ مرتضوی‌نژاد، سید مهدی؛ نوروزی، سمیه؛ جوادی، مجتبی؛ نانی، سعید و عبدالحسین‌زاده، محمد (۱۳۹۴). *الگوی مرجعیت علمی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس بیانات مقام معظم رهبری*. *مطالعات راهبردی بسیج*. ۱۸ (۶۸). ۳۰-۵.

کوشازاده، فاطمه؛ اکبری، احمد؛ معقول، علی؛ جباری نوغایی، مهدی و کوشازاده، علی (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌گذاری عوامل مؤثر بر مرجعیت دانشگاه. پژوهش در نظام‌های آموزشی. ۱۳ (۴۷). ۱۳۳-۱۵۲.

گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۷). دانشگاه اسلامی در چشم‌انداز آینده (با تأکید بر حوزه‌ی نیروی انسانی). مجموعه مقالات ارزش و دانش؛ مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی. گردآورنده: اصغر افتخاری. انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. صص ۲۲۱-۲۱۷.

گودرزی، غلامرضا، و رودی، کمیل (۱۳۹۰). تبیین مرجعیت علمی برای نهادهای علمی کشور با رویکرد تئوری مفهوم‌سازی بنیادی. سیاست علم و فناوری. ۴ (۲). ۹۰-۷۵.

لطیفی، میثم؛ طهماسبی بلوک‌آباد، رضا؛ جوادی، مجتبی و میرزایی هاوشکی، محمدحسین (۱۳۹۷). استخراج و اولویت‌بندی راهبردهای نیل به مرجعیت علمی ج.ا.ایران با روش تحلیل عملکرد - اهمیت (IPA). راهبرد. ۲۷ (۸۶). ۵-۲۹.

محمدی، رضا (۱۳۸۵). راهنمای عملی انجام ارزیابی درونی در نظام آموزش عالی ایران: تجارب ملی و بین‌المللی. تهران: سازمان سنجش آموزش کشور. مرکز انتشارات.

مهدی، رضا (۱۳۹۴). جایگاه مهارت‌آموزی در دانشگاه نسل سوم. مهارت‌آموزی. ۴ (۱۴). ۱۰۳-۱۱۷.

نبوی، لطف‌الله (۱۳۸۹). مبانی منطق و روش‌شناسی. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.

نظام جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی دانشگاه امام صادق(ع)، جلد سوم (گزارش نظام برنامه‌ریزی درسی) (۱۳۹۴). ویرایش اول. مطالعات انسانی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ۱۳ (۴۷). ۱۳۳-۱۵۲.

واثقی‌بادی، محمد (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی موانع تحقق مرجعیت علمی در عرصه علوم انسانی (مورد مطالعه دانشگاه امام صادق(ع)). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق(ع). تهران. ایران.

Anderson, A; Hall Borg, N & Timpka, T (2003). A model for interpreting work and information management in process-oriented healthcare organizations. *International Journal of Medical Informative*. 7 (2). 47-56.

Bauer, M; Petkova, K & Boyadjieva, P (2000). Public knowledge of and attitudes to science: Alternative measures that may end the 'science wars.' *Science, Technology, and Human Values*. 1. 30-51.

Baumard, P. (2007). *Organization Id the Fog in Moingeon*. B.Organizational Learning and Competitive Advantage, London, Sage.

- Bell, D (2005). *The Cultural Contradiction of Copitalism*. London Heinemann.
- Gardner, P.L; Fong, A.Y. & Huang, R.L. (2010). Measuring the impact of knowledge transfer from public research organisations: a comparison of metrics used around the world. *International Journal of Learning and Intellectual Capital*. 7 (3/4). 318–327.
- Hilgartner, S (1990). The dominant view of popularization: Conceptual problems, political uses. *Social Studies of Science*. 20. 519–539.
- Romani-Dias, M; Carneiro, J & Barbosa, A. S (2019). Internationalization of higher education institutions: the underestimated role of faculty. *International Journal of Educational Management*. 33 (2). 300-316. To link to this article: <https://doi.org/10.1108/IJEM-07-2017-0184>

